



سال سوم

ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۳)

ویژه اهل سنت

حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)

قرائت و ترجمه

..... أَطِيعُوا اللَّهَ
..... وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ
..... وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ
..... فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ
..... فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ
..... إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
..... وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
..... ذَلِكَ خَيْرٌ
..... وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و سرانجامی نیکوتر

نساء، ۵۹

..... أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
..... يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا
..... بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

آیا ننگریستی به کسانی که
گمان می کنند که ایمان دارند

وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

.....

می‌خواهند که داوری ببرند

يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا

.....

إِلَى الطَّاغُوتِ

درحالی که امر یافته‌اند به او کافر شوند

وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ

.....

وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ

.....

أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

نساء، ۶۰

تفکر در آیات



در این آیات تفکر کنید و پیام‌های مربوط به حکومت را استخراج نمایید.

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

دانستیم که یکی از قلمروهای رسالت پیامبر اکرم (ص) برقراری حکومت و اجرای احکام الهی بود؛ زیرا احکام اجتماعی اسلام و پیاده کردن دستورات الهی بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست. پیامبر اکرم (ص)، همان‌طور که وظیفه داشت برای اقامه نماز و زکات تلاش کند، وظیفه داشت که «حکومت اسلامی» را تشکیل دهد و اداره جامعه را به دست گیرد و میان مسلمانان حکم کند. اکنون، این سؤال پیش می‌آید که آیا پس از رسول خدا (ص) هم نیازی به حکومت اسلامی هست و باید ادامه داشته باشد، یا نه؟

پاسخ به این سؤال مثبت است؛ زیرا: دین اسلام آخرین دین الهی و یک دین جاودانه است و احکام آن اختصاص به زمان پیامبر اکرم (ص) ندارد. با رحلت پیامبر اکرم (ص) عده‌ای که به مانعان زکات مشهورند، فکر می‌کردند حکومت فقط برای دوران پیامبر (ص) بوده و دیگر نیازی به انجام احکام اجتماعی اسلام، از جمله زکات نیست؛ بنابراین نیازی به حکومت اسلامی هم نیست. با تشکیل حکومت اسلامی عزّت و سربلندی مسلمانان حفظ می‌شود و مانع تعرض بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی می‌گردد.

با تشکیل حکومت اسلامی اهداف متعالی و بلند اسلام، مانند عدالت و حق، ترویج خیر و معروف، جلوگیری از منکرات و بدی‌ها، یاری به مستضعفان، دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی اسلام ممکن می‌گردد. این یک اصل اساسی و مورد اتفاق پنج مذهب رسمی مسلمانان است که اسلام دارای نوع و شکل حکومت ویژه خود است و هر حکومت دیگری که منطبق با قوانین اسلام تشکیل نشده باشد، واجب الاطاعه نیست و نمی‌تواند پیاده‌کننده احکام اسلام باشد.

علاوه بر این، با تشکیل حکومت اسلامی مهم‌ترین نیاز زندگی اجتماعی انسان‌ها، یعنی برقراری عدالت میسر می‌شود؛ نیازی که عامل اصلی تشکیل حکومت بوده است و از هنگامی که انسان‌ها زندگی اجتماعی را آغاز کرده‌اند، برای رسیدن به آن تلاش کرده‌اند. برقراری عدالت نیازی است که اختصاص به زمان رسول خدا ندارد.

دقت در بُعد اجتماعی و حیات جمعی انسان به وضوح نشان می‌دهد که ممکن نیست انسان مانند حیوانات دیگر بتواند به صورت انفرادی زندگی کند؛ بلکه نیاز به تعاون و همیاری است که پیوندهای اجتماعی را پدید می‌آورد.

از طرف دیگر، منفعت‌طلبی برخی انسان‌ها، سبب تجاوز به حق و حقوق دیگران می‌شود و کسانی که خود را قوی‌تر از دیگران می‌بینند، در صورتی که متخلق به اخلاق حسنه نباشند، در صدد آن برمی‌آیند که با زور و ظلم به اموال و ثروت دیگران دست‌درازی کنند. به دلیل پیدایش این قبیل ظلم‌ها و مزاحمت‌ها که همواره در تاریخ بشر اتفاق افتاده، و نیز نزاع‌ها و درگیری‌ها و هرج و مرج‌هایی که به دنبال آنها پدید آمده همواره نیاز به قانون و حکومتی که آن قانون را به اجرا درآورد حس می‌شده است.

می‌دانیم که تنها با وضع قوانین نمی‌توان مانع زورگویی و ستم‌ستمگران و هرج و مرج اجتماعی شد؛ زیرا ستمگران و کسانی که فقط به منافع خود فکر می‌کنند، تنها به آن بخش از قوانین پایبند می‌مانند

که منافع آنها را تأمین کند و متضاد با منافعی نباشد. به همین جهت همواره همراه با مقررات و قوانین اجتماعی باید کسانی باشند که به عنوان حاکمان جامعه، قانون را به اجرا درآورند و متخلفان را مجازات کنند و مانع هرج و مرج گردند. ترس از مجازات سبب می‌شود افرادی که خود را هم تربیت نکرده و به زیور اخلاق آراسته نیستند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند.

البته جای انکار نیست که ترس از مجازات هم نمی‌تواند مانع جدی در مقابل قانون‌شکنان و متجاوزان باشد و راه تخلف را ببندد؛ زیرا مردمی که نفوذ و قدرت کامل دارند می‌توانند قوانین را به نفع خود وضع کنند یا آنها را مطابق میل خود دست‌کاری نمایند.

بنابراین، قانونی می‌تواند نابسامانی‌های اجتماعی را سامان دهد و عدالت اجتماعی را محقق سازد که از جانب خداوند وضع شده باشد؛ زیرا اولاً او در وضع قوانین هیچ منفعتی برای خود طلب نمی‌کند، ثانیاً عموم انسان‌ها، در اجرای قانون، خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانند و به پاداش یا مجازاتی که بر اثر رعایت یا عدم رعایت قانون دریافت خواهند کرد، بیشتر توجه می‌نمایند.

امروزه مسلمانان، در صحنه امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی روبه‌رو هستند که بدون وجود حکومت اسلامی، حل آن مسائل امکان‌پذیر نیست. بانکداری، بیمه‌های اجتماعی، پیوند اعضا و خرید و فروش عضو، نحوه استفاده از رسانه‌های جدید مانند اینترنت، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و با نظام‌های سیاسی متفاوت، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و یونسکو و صدها مسئله دیگر امروزه پدید آمده که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را بیش از گذشته کرده است؛ حکومتی که رهبران آن بر مبنای اسلام و با استفاده از قرآن و سنت به حل مسائل جدید بپردازند و حکم اسلام را در این مسائل به اجرا درآورند.^۱

۱- بر همین مبنا در ایران پس از انقلاب اسلامی، با رأی قاطع مردم در سال ۱۳۵۸، نوع حکومت به شکل جمهوری اسلامی اعلام گردید و زمینه برای اجرای احکام الهی فراهم آمد: با توجه به اینکه مذهب شیعه یکی از پنج مذهب رسمی در میان مسلمانان است، حکومت اسلامی ایران بر اساس دیدگاه‌های کلامی و فقهی شیعه تشکیل شده است که روابطی بسیار عالی و وسیع با مسلمانان سایر مذاهب در جهان دارد و در بسیاری از کشورها موجب بیداری و دلگرمی شده و ایده تشکیل حکومت اسلامی و دوری از حکومت‌های طاغوتی و مبارزه با استعمارگران و مستکبران را گسترش داده است. مبانی حکومت اسلامی در مذاهب پنج‌گانه، بسیار به یکدیگر نزدیک است و در جزئیات، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. لذا اگر در برخی تعبیرات این کتاب ضمیمه تفاوتی مشاهده می‌شود، در جزئیات، و بنابر تعبیرات و دیدگاه‌های کلامی و فقهی اهل سنت است و چون در قانون اساسی حقوق مذهب اهل سنت محترم شمرده شده، در بخش آموزش نیز، طرح دیدگاه‌های کلامی و فقهی ویژه دانش‌آموزان اهل سنت فراهم آمده است. همین امر موجب اتحاد بیشتر و همدلی اهل سنت با برادران شیعی شده است تا همه در کنار هم و با برنامهریزی نظام اسلامی برای عزت و سربلندی ایران اسلامی و اعتلای اسلام در جهان عمل نمایند.



برخی از مسائل جدید در دنیای امروز را که در گذشته مطرح نبوده و نیازمند به‌دست آوردن پاسخ آنها از قرآن کریم و سنت است، نام ببرید و راه‌حل‌هایی را که به نظر شما می‌رسد، در کلاس ارائه دهید.

خلافت و امامت

خلافت به معنای جانشینی و امامت به معنای رهبری و پیشوایی است. همان‌طور که گفتیم، حکومت اسلامی اختصاص به زمان رسول خدا (ص) ندارد و پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد. کسی که پس از رسول خدا (ص) عهده دار حکومت اسلامی می‌شود، «خلیفه» نام دارد؛ زیرا چنین شخصی جانشین رسول خدا (ص) است و پس از ایشان وظیفه اجرای احکام الهی در جامعه را برعهده دارد. و از آنجا که چنین شخصی رهبری و پیشوایی مردم را برعهده دارد، او را امام نیز می‌خوانند. پیروی و اطاعت از خلیفه بر مردم لازم است. مردم باید فرمان‌ها و دستورات او را تبعیت کنند و در اجرای قوانین الهی یاری‌اش نمایند.

تفکر در آیات

با تفکر در آیات ابتدای درس توضیح دهید که کدام آیه به جانشینی پس از رسول خدا (ص) اشاره دارد و مردم را به چه چیزی فرمان می‌دهد؟

شروط لازم برای خلیفه یا امام

از آنجا که جانشینی پیامبر اکرم (ص) و رهبری و اداره جامعه، مهم‌ترین مسئولیت الهی است، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. کسی باید این مسئولیت را بپذیرد که از شرایط زیر برخوردار باشد:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد و غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت

داشته باشد.

۲- خلیفه باید مرد باشد؛ زیرا خلافت از کارها و وظایف بسیار شاق و پرخطر است و خداوند کارهای سخت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را معاف کرده است.

۳- خلیفه باید عاقل و بالغ باشد؛ زیرا غیرعاقل و غیربالغ را یارای چنین کاری نیست.

۴- خلیفه باید به احکام دین آگاه باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع دینی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود از کتاب و سنت به دست آورد.

این شرط، لازمه تحقق حکومت اسلامی است؛ زیرا حکومت اسلامی، آن شکلی از حکومت است که قوانین و احکام اسلامی در آن پیاده شود و حاکم آن مجری احکام الهی باشد. وقتی حاکم می‌تواند مجری احکام الهی باشد، که خود با این احکام آشنایی کافی داشته باشد و هرگاه با مسئله جدیدی روبه‌رو شود، با استفاده از قدرت اجتهاد و دانش دینی خود، بتواند حکم آن مسئله را به دست آورد و اعلام نماید.

۵- خلیفه باید عادل باشد و بر اساس عدل و داد بر مردم حکومت کند. او باید آراسته به فرائض و فضائل و مبرا از گناه و رذائل و هر چه که محلّ مرّوت است، باشد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) گوید که: رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی بزرگوارتر از عدل بر زمین چیزی نیافرید. عدل ترازوی خداست بر زمین و هر کس بدین ترازو دست یازد او را تا بهشت می‌برد.

۶- کفایت: خلیفه باید قادر به رهبری مردم باشد و بتواند سختی‌های اداره امور را تحمل کند.

۷- سلامت: خلیفه یا امام باید از سلامتی برخوردار باشد و نقصی که مانع انجام وظایف و مسئولیت‌هاست، نداشته باشد.

حاکم اسلامی با از دست دادن هر یک از این شرایط، حق حاکمیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند بر مردم حکومت کند؛ مثلاً اگر حاکم عدالت یا کفایت خود را از دست دهد، شرعاً حاکم مسلمانان نیست و حکم او قابل اجرا نمی‌باشد.

تکالیف خلیفه یا امام

خلیفه در برابر امت دو وظیفه و مسئولیت کلی برعهده دارد:

۱- اقامه اسلام

۲- اداره امور حکومت در چارچوب اسلام

برای اینکه خلیفه بتواند این دو مسئولیت مهم را به انجام برساند، باید ویژگی‌ها و خصوصیات داشته باشد؛ از جمله:

- ۱- با مردم و به خصوص اهل نظر و علم و دانش مشورت کند و از نظرات آنها بهره ببرد.
- ۲- در میان مردم باشد و مانند آنان زندگی کند.
- ۳- مراقب کارگزاران خود باشد و بر کار آنها نظارت کند.



با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که به نظر شما بهتر است حاکم اسلامی داشته باشد مشخص نمایید.

راه انتخاب خلیفه و امام

خلیفه از طرف مردم یا خبرگان مردم که نام دیگر آن شورای حلّ و عقد است، انتخاب می‌گردد. مردم با چنین خلیفه‌ای بیعت می‌کنند و به فرمان‌هایش عمل می‌نمایند. کسی که بدون نظر و رأی شورای امت قدرت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه در مورد او مصداق ندارد، بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان و دیکتاتور در مورد او صدق می‌کند. چنین حکومتی هم در اسلام جایگاهی ندارد و از ارزش و اعتبار برخوردار نیست. خلافت، پیش از آنکه یک مقام باشد، یک مسئولیت است و کسی که خود طالب آن باشد، اهلیت این کار را ندارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «به خدا سوگند، ما کسی را که بر این کار حریص بوده یا درخواست کند، متصدی نخواهیم کرد» و یا فرموده است: «خائن‌ترین شما پیش ما کسی است که آن (مقام و منصب) را مطالبه نماید.»^۱



۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره حاکم اسلامی به دست می‌آورید، یادداشت کنید.

۱- صحیح ابو داود

- ۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) استدلال کرد؟
- ۳- با تأمل در شروط لازم برای حاکم اسلامی، ویژگی‌های مشترک بین پیامبر، خلیفه و حاکم اسلامی را استخراج کرده، پیرامون هر کدام توضیح مختصری بنویسید.

ویژگی‌های حکومت اسلامی

در درس گذشته با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از پیامبر اکرم (ص) و چگونگی انتخاب جانشین آن حضرت آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم به شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات حکومت اسلامی بپردازیم و ببینیم که این حکومت چه تفاوت‌هایی با سایر حکومت‌ها و نظام‌ها دارد.

قرائت و ترجمه

و این چنین شما را امتی میانه قرار دادیم

تا بر مردمان گواه باشید

و پیامبر بر شما گواه باشد

بقره، ۱۴۳

باید از شما مردمی پدید آید

.....

.....

.....

.....

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ...

وَلِتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ

يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آل عمران، ۱۰۴

..... وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا
 وَاحْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ
 بعد از اینکه دلایل روشن برایشان آمد
 مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ
 وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آل عمران، ۱۰۵

شورا و مشورت

شورا بر وزن فَعْلَى، اسم مصدر از «تشاور» و از ریشه «شور» به معنای عسل و یا برداشت عسل از محل آن است. در اصطلاح، به معنای مشورت و اظهار نظر و ابراز عقیده و رأی در کار است. اصل مشورت، یکی از اصول مهم حکومت اسلامی است و قرآن کریم بر آن تأکید کرده و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

..... فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ
 لَئِن تَأْتَى لِيَوْمٌ
 برای ایشان نرم شدی
 وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
 و اگر درشتخوی سخت دل بودی
 لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ
 از گرد تو پراکنده می‌شدند
 فَأَعْفُ عَنْهُمْ
 وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
 وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
 فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

آل عمران، ۱۵۹

پیامبر اکرم (ص) به امر خداوند متعال، مؤمنان را کرامت بخشید و لیاقت و شایستگی انسانی را در وجودشان به آنان نمایاند تا بتوانند پس از رسول خدا (ص) امور جامعه خود را حلّ و فصل کنند و به پیش ببرند. البته پیامبر اکرم (ص) در امر تشریح و احکام اسلامی با کسی مشورت نمی کرد و آنچه را که حکم الهی بود به اجرا درمی آورد. موارد مشورت ایشان مربوط به کیفیت اجرای برخی از کارها بود. به طور مثال، وقتی احزاب و مشرکان مکه به سوی مدینه لشکرکشی کردند، رسول خدا فرمان جهاد و دفاع را صادر کرد. اما در مورد کیفیت دفاع با مسلمانان مشورت کرد. در این مشورت بود که سلمان فارسی پیشنهاد داد اطراف مدینه خندق حفر کنند تا مشرکان نتوانند مدینه را مورد تعرض یکباره خود قرار دهند. رسول خدا (ص) نیز این پیشنهاد را پذیرفت و مسلمانان به حفر خندق پرداختند.



درباره اصل مشورت با یکدیگر گفت و گو کنید و بگویید که تصمیم گیری براساس مشورت چه مزایایی دارد.

یکی از سوره های قرآن کریم «شورا» نام دارد. در همین سوره، ضمن آیاتی که برخی از ویژگی های مؤمنان را بیان می کند، چنین می خوانیم :

.....	وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ
.....	وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
و کارشان با مشورت میان خودشان باشد	وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
.....	وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

شوری، ۳۸

اصل شورا، یک اصل ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می شود و تنها کاردانان و اهل بصیرت مجاز به دادن چنین تغییراتی هستند.

عموم مؤمنان و مسلمانان عضو شورا هستند و در حدود قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند. اما چون برای همه مسائل، اجتماع و نظرخواهی همه مردم ممکن نیست، روش‌های مختلفی برای شورا به کار می‌برند. مثلاً مردم افرادی را که در میان خود به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند به‌عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهار نظر نمایند و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بتوانند بدون اغفال و در آزادی کامل کسی را که تشخیص می‌دهند برای شورا مناسب است، انتخاب کنند. یکی از مهم‌ترین شوراها، شورای خبرگان یا «اهل حلّ و عقد» است که دربارهٔ مهم‌ترین مسائل حکومت اسلامی، از جمله تعیین خلیفه و امام اظهار نظر می‌کند و شخصی که دارای شرایط رهبری است، به‌خلافت برمی‌گزیند.



امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا در کشور ما وجود دارد. چهار مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که هر کدام دربارهٔ چه مسائلی مشورت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های مردم، انتخاب خلیفه و پیشوای مسلمانان است. چنانچه کسی بدون داشتن شرایط و بدون رأی و نظر شورای منتخب مردم قدرت حکومت را به‌دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه و پیشوایی مردم در مورد او مصداق ندارد؛ بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان، دیکتاتور و مانند آن در مورد او صدق می‌کند که در اسلام جایگاهی ندارد.

حضور مردم

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است. وقتی مردم به دین اسلام و پیامبری پیامبر اکرم (ص) ایمان آوردند، و جامعهٔ اسلامی تشکیل شد، امکان تشکیل حکومت اسلامی به‌وجود می‌آید. به‌همین جهت، لازمهٔ اقتدار حاکم اسلامی قبول وی از جانب مردم است. در این صورت است که خلیفه و امام می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف و برنامه‌هایی که دارد به فعالیت و کار و تلاش تشویق نماید. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت دیکتاتوری و استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند

کرد. به همین جهت باید همواره یک رابطه عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.

تفکر در آیات

در آیه ۱۵۹ آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره رابطه مردم با رهبر جامعه اسلامی است، استخراج نمایید.

استقلال سیاسی

حکومت اسلامی رابطه خود با سایر ملت‌ها و حکومت‌ها را براساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. مطابق با این موازین، به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت را نمی‌دهد؛ با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه برقرار می‌کند و در مقابل کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، سرسختانه و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند.

تفکر در آیات

در آیه ۱۴۱ سوره نساء بیندیشید و رهنمود آیه درباره رابطه دیگر کشورها را توضیح دهید.

تفاوت حکومت اسلامی با حکومت‌های به سبک غربی

حکومت دمکراتیک یا مردم‌سالار، حکومتی است که در آن خواست اکثریت مردم تعیین‌کننده شکل نظام و قوانین اساسی جامعه است، نه خواست و اراده فرد یا گروهی خاص که البته همین ویژگی هم در دنیای کنونی به‌درستی اجرا نمی‌شود. حکومت‌هایی که امروزه به حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است. سرمایه‌داران بزرگ در کشورهای غربی، با تکیه بر ثروت عظیم و تبلیغات قوی و نفوذ در ارکان حکومت، افکار مردم را به سوی اهداف

و شخصیت‌های موردنظر خود جلب می‌کنند و آرای آنها را به دست می‌آورند.^۱ نظام اسلامی حقیقتاً با خواست اکثریت مردم تشکیل می‌شود. اما این تفاوت مهم را با نظام‌های دموکراتیک دارد که مبنای نظام اسلامی حاکمیت اراده و قانون الهی بر همه بخش‌های جامعه است. نظام اسلامی زمانی در کشوری استوار می‌شود که اکثریت مردم بپذیرند که زندگی فردی و اجتماعی آنها مطابق با قانون الهی اداره شود. به همین جهت، این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است. دموکراسی‌های رایج در جهان، هدف خود را تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتنا هستند و گاهی هم با آن مخالفت دارند. اما هدف اصلی در حکومت اسلامی آن است که با برقراری عدالت اجتماعی، زمینه‌های رشد و تعالی مردم را مهیا کند و ارزش‌های اخلاقی اسلام را گسترش دهد.

رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

همان‌طور که نظام اسلامی بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. مردم باید برای دوام نظام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند و با انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر، خوبی‌ها را در جامعه گسترش داده و مانع ظهور بدی‌ها و منکرات گردند. آنان حتی وظیفه دارند نسبت به خلیفه و کارگزاران او ناصح باشند و با تذکرات خود آنان را در انجام مسئولیت‌ها یاری کنند و مشاوره دلسوز برای آنان باشند.

خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. عدل را که مهم‌ترین وظیفه حکومت است در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر عدل و داد حاکمیت کند. رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید. پاسدار طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنان رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی به آنان نگردد. در مقابل آنان متواضع و فروتن باشد و آنان را نزدیک‌ترین طبقات به خود بداند. در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ کس واقع نشود و با شجاعت دین خدا را در جامعه پیاده کند.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چامسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.

تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که با موضوعات درس ارتباط دارد، استخراج کنید.



- ۱- تأثیرات شورا در حکومت اسلامی و مسائل امت اسلام را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۲- تفاوت‌های حکومت اسلامی با حکومت‌های رایج در میان انسان‌ها را از نظر رابطه متقابل حاکم و مردم یافته، ویژگی‌های مثبت حکومت اسلامی را در این میان بیان کنید.

خلفای راشدین

در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن حکومت اسلامی پس از رسول خدا (ص) آشنا شدیم و دانستیم که حکومت اسلامی و رهبری آن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم با خلفا و جانشینان رسول خدا (ص) که پس از وی رهبری و پیشوایی جامعه اسلامی را برعهده گرفتند بیشتر آشنا شویم.

۱- حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

عبدالله بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه رسول الله بود که پس از رحلت رسول خدا (ص) مردم با او بیعت کردند. وی، قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار (ص) به ایشان لقب صدیق داد.

ابوبکر (رض) از قبیله بنی تمیم است که شاخه‌ای از قبیله بزرگ قریش می‌باشد. نسبش به مّره می‌رسد که جدّ ششم رسول خدا (ص) نیز می‌باشد. اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا (ص) رسید و رسالت آن حضرت را تصدیق کرد. رسول خدا (ص) به وی فرمود: «انت عتیق الله من النار - تو از آتش جهنم مصون هستی». پدرش عثمان که مشهور به «ابوقحافه» بود، در سال فتح مکه مسلمان شد. مادرش ام‌الخیر (سلمی) بنت صخر یکی از زنان اولیه اسلام است که قبل از هجرت در خانه ارقم بن ابی ارقم که محل اجتماع مسلمانان در مکه بود به دین اسلام مشرف شد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود و پدر و پسر و نوه‌اش محمد بن عبدالرحمن (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول الله (ص) می‌باشند.

برخی از فضائل حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

۱- ابوبکر (رض) پیش از اسلام نیز به نیکوکاری مشهور بود و به درماندگان و فقیران کمک می‌کرد. با ظهور اسلام ثروت خود را در راه اعتلای اسلام و آزادی بردگان خرج کرد که از جمله بردگانی که آزاد کرد می‌توان از بلال حبشی، عابرن فهییره و تیره ام حبس نام برد.

۲- در میان بزرگسالان مرد، اولین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد. از میان زنان حضرت خدیجه و از میان جوانان و نوجوانان حضرت علی (کرم الله وجهه) و از میان بردگان زید بن حارثه اولین اشخاصی هستند که بر همگان در تشرّف به دین اسلام سبقت گرفتند.

۳- یگانه همراه پیامبر (ص) در هجرت از مکه به مدینه بود. برخی نوشته‌اند، پس از آنکه رسول الله (ص) به مسلمانان اجازه داد تا به شهر مدینه مهاجرت کنند، ابوبکر نیز تصمیم به هجرت گرفت و برای کسب اجازه نزد رسول خدا (ص) آمد. پیامبر (ص) به او فرمود: «لَا تَعْجَلْ لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ رَفِيقًا» - عجله مکن، امید است که خدای تعالی برای تو رفیقی و همسفری قرار دهد» مشیت الهی چنان بود که این رفیق، رسول الله (ص) باشد و ابوبکر یار غار او گردد.

۴- بسیار متواضع بود و زندگی کاملاً بی‌آلایش و بی‌تکلفی داشت و نسبت به خواهش‌های دنیایی بی‌اعتنا بود. در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت‌گیر بود و شجاعانه و بی‌پروا عمل می‌کرد.

برخی از اقدامات مهم حضرت ابوبکر (رض) در دوران خلافت

۱- پس از رحلت رسول خدا (ص) دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور وقتی صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسیدند.

۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا (ص) آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.

۳- با پیامبران دروغین و قبایل مشرک و مرتد و فتنه‌جویان که رحلت رسول خدا (ص) را موقعیتی مناسب برای آشوب تشخیص داده بودند، جنگید و به فتنه آنها خاتمه داد.

۴- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را در زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.

۵- به دستور او لشکر اسلام به فرماندهی خالد بن ولید در یک جهاد آزادی‌بخش، قسمت زیادی از خاک عراق را آزاد کرد و جزء سرزمین اسلامی نمود. همچنین بخشی از شام را از رومیان گرفت و به قلمرو اسلام ضمیمه کرد.

۶- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت.

ام المؤمنین عایشه می‌گوید: حضرت ابوبکر (رض) در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال

سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه‌شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت خودش او را در حجره‌ام المؤمنین عایشه در جنب ضریح منور رسول‌الله (ص) به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرده و در سن ۶۳ سالگی رحلت کرده است. به روایت شیخ سیوطی حضرت ابوبکر (رض) صد و چهل و دو حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است. فردوسی با الهام گرفتن از حدیث نبوی در مدح حضرت ابوبکر صدیق (رض) چنین گفته است.

که خورشید بعد از رسولان مه نتابید بر کس ز بوبکر به



از شیوه زندگی و ویژگی‌های حضرت ابوبکر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟
چهار مورد آن را با هم فکری با همکلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

۲- حضرت عمر (رضی الله عنه)

حضرت عمر (رض) لقبش فاروق (تمیزدهنده حق از باطل) و کنیه‌اش ابو حفص است. نسب حضرت عمر در کعب بن لوی به پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. او سیزده سال پس از تولد رسول خدا (ص) در مکه متولد شده است. در سن بیست و هفت سالگی پس از مسلمان شدن چهل مرد و یازده زن به اسلام مشرف شد.

پیش از اسلام حضرت عمر، پیامبر (ص) دعا نمود و گفت: «اللَّهُمَّ أَعِزِّ الْإِسْلَامَ بِأَحَبِّ هَدَّيْنِ الرَّجُلَيْنِ عِنْدَكَ، بَعْمَرِ بْنِ الْخَطَّابِ أَوْ بَعْمَرِ بْنِ هِشَامٍ»؛ یعنی پروردگارا دین اسلام را عزت و تقویت ببخش، با مسلمان شدن یکی از این دو مردی که نزد تو محبوب‌تر باشد، عمر بن خطاب یا عمرو بن هشام (ابو جهل). دعای پیامبر درباره حضرت عمر مستجاب شد و مسلمان گردید. اما عمرو بن هشام (ابو جهل) چون روح حق‌پذیری نداشت، با همه ذکاوتش تا پایان عمر بر کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان باقی ماند و عاقبت در جنگ بدر به قتل رسید.

وقتی که حضرت عمر (رض) در خانه ارقم بن ابی ارقم مسلمان شد، به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا مگر ما بر دین حق نیستیم؟ پس چرا دین خود را پنهان بداریم؟ بعد از این پیشنهاد، مسلمانان

به همراهی عمر در رکاب رسول خدا (ص) از خانه ارقم به سوی خانه کعبه آمدند و آشکارا به طواف کعبه و انجام مراسم مذهبی پرداختند. فردوسی در این باره چنین گفته است :

عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار

شگفت‌انگیز اینکه بزرگان و کفار قریش که در اطراف کعبه بودند، به این منظره باشکوه نگاه می‌کردند، اما با آن همه دشمنی و ستیزی که با پیامبر (ص) و مسلمانان داشتند، جرأت نکردند که در کار آنها دخالت کنند یا اعتراض نمایند.

برخی از فضائل حضرت عمر (رض)

حضرت عمر (رض) فردی شجاع، صریح‌اللهجه، عادل، متواضع و مورد اعتماد مردم بود. از برجستگان کاتبان وحی بود. نسبت به زورگویان بسیار سخت‌گیر و نسبت به عموم مردم فروتن و متواضع بود. او به مسلمانان دستور داده بود که در هنگام فتح سرزمین‌های کفار، حقوق مردم را رعایت کنند و با آنها با رأفت اسلامی رفتار نمایند. گوستاولوبون مورخ فرانسوی در کتاب «تمدن اسلام» می‌گوید :

«در دنیا فاتحینی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان دیده نشده است. آنان با حسن رفتار و عدالت

بی‌سابقه خود بهتر و بیشتر از عملیات نظامی به پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند...»

حضرت عمر (رض) پانصد و سی و نه حدیث را از پیامبر (ص) نقل کرده است.

حضرت عمر مانند رسول الله (ص) و ابوبکر شصت و سه سال زندگی کرد. مدت خلافتش ده سال و شش ماه بود. در صبح روز چهارشنبه بیست و ششم ماه ذی‌الحجه، هنگامی که در مسجد می‌خواست نماز صبح را به امامت با مسلمانان ادا کند، به‌وسیله ابولؤلؤ (فیروز) غلام مغیره بن شعبه مورد حمله قرار گرفت و با ضربات شمشیر زهرآگین جراحات شدیدی برداشت. ابولؤلؤ کافر، پس از حمله به حضرت عمر (رض) سیزده نفر از مسلمانان نمازگزار را مجروح ساخت که به قولی سه نفر از آنها شهید شدند.

حضرت عمر (ص) بر اثر جراحات وارده در صبح روز یکشنبه اول ماه محرم سال بیست و سوم هجری به درجه شامخ شهادت نایل گردید. جسد او را در جوار ضریح مبارک رسول الله (ص) و در کنار قبر ابوبکر صدیق (رض) به خاک سپردند. بدین‌گونه اولین ترور در اسلام با شهادت خلیفه رسول الله (ص) شکل گرفت.

برخی از اقدامات مهم حضرت عمر (رض)

۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها

- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب‌ها حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز مأمور اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود.
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود.
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق‌بگیران.
- ۵- تعیین تاریخ اسلام که پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول‌الله (ص) از مکه به مدینه تعیین گردید.
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده این دو سرزمین و مسلمان شدن آنها.
- ۷- اجرای عدالت در قلمرو وسیع اسلامی و مبارزه با ستمگران و تعرض‌کنندگان به حقوق مردم.



از شیوه زندگی و ویژگی‌های حضرت عمر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟
چهار مورد آن را با هم فکری با هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

۳- حضرت عثمان (رضی الله عنه)

عثمان بن عفان سومین خلیفه مسلمانان است که با انتخاب شورای تعیین شده از طرف حضرت عمر (رض) به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند. نسبش در جد سوم، به «عبد مناف» می‌رسد که جد پیامبر (ص) نیز می‌باشد. وی از سابقین در اسلام است که بر اثر علم و درایت زیاد با دیدن پیامبر (ص) و شنیدن آیات الهی شهادتین را بر زبان جاری کرد.

پیامبر اکرم (ص) ابتدا دختر خود، «رقیه» را به عقد عثمان درآورد. رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر (ص) دختر دیگر خود، «ام‌کلثوم» را به عقد او درآورد. به همین سبب او را «عثمان ذی‌النورین» می‌گفتند. ام‌کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا (ص) فوت کرد. آن حضرت فرمود: اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.

او که از ثروتمندان مکه و فردی معروف و مشهور بود، پس از مسلمان شدن، اموال خود را برای اعتلای اسلام خرج کرد. در ماجرای که منجر به صلح حدیبیه شد، به عنوان سفیر پیامبر (ص) نزد مشرکان رفت و خطر مرگ را به جان خرید و مأموریت خود را به نحو احسن انجام داد. آن بزرگوار دو بار مهاجرت کرد، یک بار به حبشه و سپس از آنجا به مدینه.

برخی از فضائل حضرت عثمان (رض)

عثمان انسانی خوش قیافه و زیبا، همراه با شرم و حیای مخصوص بود. ام المؤمنین عایشه (رض) می گوید: هنگامی که پیامبر (ص) ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت: شوهرت از همه کس به جدت ابراهیم خلیل (ع) و پدرت محمد (ص) شبیه تر است.

او در میان مردم به گرم و بخشندگی و سخاوت مشهور بود. انسانی بسیار مهربان و فضیلت‌های انسانی در او عیان بود.

حضرت عثمان که مردی تاجرپیشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رسانید. از جمله: پرداخت هزینه و سازوبرگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر و وقف کردن آن چاه برای مسلمانان، توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در بین فقراى مدینه. حضرت عثمان، نامه‌های رسول خدا (ص) را می نوشت.

برخی از اقدامات حضرت عثمان (رض) در دوره خلافت

۱- نشر و تکثیر قرآن کریم: به دلیل گسترش اسلام در سرزمین‌های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، به دستور ایشان نسخه‌های زیادی از قرآن که دارای یک رسم الخط بود، منتشر کردند و به نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی فرستادند.

۲- گسترش سرزمین‌های اسلامی: در زمان ایشان مناطق دیگری از جمله جنوب شرقی و نواحی شمال از خاک ایران و برخی نواحی تحت تسلط روم توسط مسلمانان فتح شد و جزء قلمرو حکومت اسلامی درآمد و قلمرو اسلامی از شمال آفریقا تا نزدیکی اقیانوس اطلس امتداد یافت.

حضرت عثمان (رض) حدود دوازده سال خلافت کرد. در اواخر خلافت وی، عده‌ای طغیانگر و ناراضی به مدت چهل شبانه‌روز خانه او را محاصره کردند و تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند. روزی که شورشیان می‌خواستند وارد خانه شوند، حضرت علی (کرم الله وجهه) و چند نفر دیگر از صحابه و فرزندان خود را به منظور دفاع و محافظت از آن حضرت به سوی خانه او اعزام کردند. در این هنگام شورشیان هجوم آورده و شروع به سنگ‌پرانی و تیراندازی کردند که در این درگیری، صورت حضرت

حسن مجتبی (رض) مجروح گردید و سر قنبر، غلام حضرت علی (کرم الله وجهه) شکسته شد و محمد بن طلحه جراحت برداشت. سرانجام شورشیان وارد خانه حضرت عثمان (رض) شدند و به او که در حال خواندن قرآن بود، هجوم آوردند. یکی از شورشیان، ضربتی بر سر حضرت عثمان (رض) فرود آورد و با شکستن سر او خونس بر روی آیه‌های قرآن جاری شد. حمله و تهاجم از سوی شورشیان ادامه یافت تا اینکه رهبر مسلمانان به شهادت رسید.

بدین گونه در روز جمعه هجدهم ماه ذی الحجه سال سی و پنج هجری حضرت عثمان (رض) شهید شد و پس از آن نزاع و کشمکش داخلی و قتل و برادرکشی در میان مسلمانان آغاز گردید. او یکصد و چهل و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.



در شیوه زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت عثمان (رض) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

۴- حضرت علی (کرم الله وجهه)

حضرت علی بن ابی طالب پسرعمو و داماد پیامبر (ص) است. از القابش اسدالله و مرتضی و کنیه‌اش ابوالحسن و ابوتراب است. مادرش فاطمه دختر اسد از بنی هاشم است. به روایت ابن کثیر ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و در کودکی تحت سرپرستی و تربیت پیامبر (ص) قرار گرفت. با شروع بعثت، در ده سالگی به پیامبر (ص) ایمان آورد. خودش می‌گوید: هنگامی که جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و پیام خداوند درباره رسالت را به ایشان ابلاغ کرد وی در کنار پیامبر (ص) حضور داشته است. او از همان جوانی تا پایان عمر در راه اعتلای اسلام تلاش کرد. در هنگام هجرت رسول الله (ص) در بستر پیامبر خوابید تا مشرکانی که خانه پیامبر را محاصره کرده بودند، از خروج پیامبر خدا (ص) آگاه نشوند و در صورتی که به خانه آن حضرت هجوم برند، به ایشان آسیبی نرسد. در جنگ بدر، شجاعت بی نظیری از خود نشان داد و بر ولید بن عتبیه که جنگاوری مشهور بود پیروز شد. در جنگ خندق که مشرکان، مدینه را به محاصره درآورده بودند، در نبرد با پهلوان کم نظیر عرب، عمرو بن عبدود را از پای درآورد و موجب رعب و وحشت دشمنان و بازگشت آنها به مکه شد. در جنگ خیبر،

فرماندهی سپاه مسلمانان را برعهده گرفت، قلعه خیبر را فتح کرد و یهودیان خیبر را شکست داد. در ۲۵ سالگی با حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر (ص) ازدواج کرد. ثمره این ازدواج حضرت حسن (رض) و حضرت حسین (رض) و زینب و ام‌کلتوم بود.

پس از شهادت حضرت عثمان (رض)، مردم از مهاجر و انصار اجتماع نموده و به حضرت علی (کرم‌الله وجهه) پیشنهاد بیعت دادند. آن حضرت از پذیرش مقام خلافت سر باز زد. اما مسلمانان دست برنداشته و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند و در آن موقع، هیچ‌کس با خلافت او مخالفت نکرد. او در اولین خطبه خود بعد از رسیدن به خلافت، روش خود را معین کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را شعار خود قرار داد. پس از آن، به تدریج فتنه‌ها شروع شد و دوران خلافتش با سرکوبی فتنه‌های داخلی سپری شد. او برای نجات اسلام از فتنه‌ها و نافرمانی‌ها مجاهده‌های زیادی کرد تا سرانجام به وسیله یکی از گروه‌های فتنه‌گر، یعنی خوارج، در شب جمعه، هفدهم ماه رمضان سال چهارم هجری در هنگام ادای نماز صبح و به دست ابن‌ملجم در مسجد کوفه، فرق سرش شکافته شد و در نوزدهم ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۱ وی در هنگام شهادت ۶۳ سال عمر داشت.

برخی از خصائل حضرت علی (کرم‌الله وجهه)

- ۱- شجاعت حضرت علی بی‌نظیر بود و در بسیاری از غزوها سبب پیروزی اسلام گردید.
- ۲- حضرت علی در علوم و معارف الهی بی‌نظیر بود. رسول‌الله (ص) درباره وی فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا - من شهر علم هستم و علی دروازه آن است». کتاب نهج البلاغه که بخشی از خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات اوست، نشان‌دهنده علم وی در شناخت خداوند، جهان هستی، تفسیر قرآن، تاریخ، سیاست، قضاوت اسلامی و سایر معارف دینی است.
- ۳- در فصاحت و بلاغت بی‌نظیر بود به طوری که بزرگان شعر و ادب عرب در طول تاریخ اسلام تلاش می‌کردند خطبه‌های او را حفظ کنند و در گفته‌های خود استفاده نمایند. کتاب نهج البلاغه نشان‌دهنده این فصاحت و بلاغت است.
- ۴- از زهد و تقوای بسیار بالایی برخوردار بود و دنیاطلبی را به شدت مذمت می‌کرد و دوست می‌داشت که والیان و فرمانداران او نیز اهل زهد و تقوا باشند.
- ۵- در اجرای عدالت بسیار سخت‌گیر بود و در این مورد هرگز کوتاه نمی‌آمد. بسیاری از کسانی که بعدها علیه او فتنه و آشوب راه انداختند، از عدالت‌خواهی او ناراحت شده بودند. حتی برخی گفته‌اند

۱- بنا به روایت مورخان شیعه هنگام سحر روز نوزدهم رمضان مجروح و در روز بیست و یکم شهید شد.

او شهید عدالت‌پیشگی خود شد^۱.

برخی از اقدامات حضرت علی (کرم الله وجهه)

۱- مبارزه با فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت حضرت عثمان (رض) پیش آمده بود.

۲- جلوگیری از نفوذ گروه یا افراد خاص در بیت‌المال و حفظ اموال عمومی و تقسیم عادلانه آن میان مردم.

۳- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی مانند خوارج و آگاه نمودن مردم از خطرات آنها، تا اینکه بالاخره به وسیله همین گروه افراطی و کوتاه‌فکر به شهادت رسید.

۴- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی که هم‌اکنون به‌عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. عهدنامه او به مالک‌اشتر نخعی در هنگام تعیین وی به‌عنوان حاکم مصر، عالی‌ترین شیوه کشورداری را آموزش می‌دهد که هنوز نیز نظیر ندارد.

حضرت علی (کرم الله وجهه) پانصد و هشتاد و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.



در شیوه زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی (کرم الله وجهه) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

۵- حضرت حسن مجتبی (رضی الله عنه)

حضرت حسن (رض) فرزند ارشد حضرت علی (کرم الله وجهه) و حضرت فاطمه است. کنیه‌اش ابو محمد و لقبش مجتبی است. حضرت حسن (رض) در روز سه‌شنبه پانزدهم ماه مبارک رمضان سال سوم هجرت در مدینه منوره به دنیا آمد. حضرت حسن (رض) به پیامبر (ص) بسیار شبیه بود و پیامبر (ص) او را به حدی دوست می‌داشت که درباره او فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ؛ پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار».

۱- جرج جرداق مسیحی لبنانی؛ کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية»

با شهادت حضرت علی (کرم الله وجهه) مردم با حضرت حسن (رض) بیعت کردند و وی به مقام خلافت برگزیده شد. در دوران خلافت او نزاع و آشوب میان مسلمانان گسترش یافته بود. عده‌ای به پشتیبانی از معاویه در شام و مردم کوفه و عراق به طرفداری از حضرت حسن (رض) برخاستند و در سال چهل و یکم هجری در محلی به نام انبار در نزدیکی‌های شط فرات در عراق در مقابل هم صف‌آرایی کردند و نزدیک بود آتش جنگ میان مسلمانان شعله‌ور شود. حضرت حسن به خاطر جلوگیری از جنگ و خونریزی با معاویه صلح کرد با این شرط که معاویه تا زنده است حاکم باشد ولی حق ندارد کسی را به‌عنوان جانشین منصوب کند. بعد از قرارداد آتش‌بس، حضرت حسن (رض) شهر کوفه را ترک نموده و به مدینه منوره برگشت و در آنجا اقامت گزید. حضرت حسن (رض) با توطئه بدخواهان و ستمگران به شهادت رسید. دوران خلافت ایشان حدود شش ماه بود.

با شهادت حضرت حسن (رض) حکومت و خلافت اسلامی که براساس انتخاب و بیعت مردم با یک مجتهد و فقیه عادل و با تقوا بود، پایان یافت؛ زیرا معاویه پسر خود یزید را که در اخلاق و رفتار نسبتی با اسلام نداشت به‌عنوان ولی‌عهد منصوب کرد و حکومت به ملوکیت و سلطنت تبدیل گردید و تفرقه میان مسلمانان شروع شد.



در سیره زندگی و اخلاق حضرت حسن (رض) تفکر کنید و درس‌هایی را که می‌توان برای زندگی در دنیای امروز گرفت، بیان نمایید.



- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را یافته پیرامون هر ویژگی در حد دو سطر توضیح بنویسید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم در خلافت هریک از این خلفا را تحلیل نمایید.

دنیای اسلام پس از خلفای راشدین

با تبدیل نظام خلافت و رهبری اسلامی به ملوکیت و سلطنت، وضع جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد و زمینه تفرق و تضعیف جامعه اسلامی فراهم گردید. از طرف دیگر، وسعت زیاد سرزمین‌های اسلامی و پراکندگی جغرافیایی و قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، ایران، عراق، مصر، روم و بخش‌هایی از اروپا و هند و آفریقا و ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی، نیز پاسخگویی به این قبیل مسائل را بیشتر و ضروری‌تر می‌کرد. وقتی که یزید، برخلاف عهدنامه معاویه با حضرت حسن (رض) به قدرت رسید، برخی از شخصیت‌های بزرگ مانند امام حسین (رض)، عبدالله پسر حضرت عمر (رض)، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن پسر حضرت ابوبکر (رض)، شدیداً به مخالفت برخاستند؛ زیرا کسی به سلطنت رسیده بود که خود را خلیفه رسول خدا می‌نامید، اما آشکارا و علنی مرتکب گناہانی چون شرابخواری می‌شد.

قیام امام حسین (رض) منجر به شهادت او و یارانش و اسارت خانواده‌اش گردید. عبدالله بن زبیر نیز قیام کرد و مکه را به تصرف درآورد. اما بعدها در مقابل حجاج بن یوسف که از طرف عبدالملک بن مروان به مکه لشکرکشی کرده بود، شکست خورد و مکه به تصرف حجاج درآمد.

بعد از این حوادث، به تدریج حکومت و سلطنت امویان رو به سستی نهاد تا اینکه حکومت به بنی عباس رسید. آنان نیز همان روش حاکمان بنی امیه را ادامه دادند و همین امر، سبب شد تا بسیاری از فقیهان و دانشمندان با آنان مخالفت کنند.

امام ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، در اواخر حکومت اموی، از طرف والی عراق برای مقام عالی قضاوت دعوت شد؛ اما او قاطعانه این دعوت را رد کرد و به همین دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در زمان منصور، حاکم عباسی نیز به وزارت دادگستری دعوت شد که آن را نپذیرفت و تا آخر عمر زندانی شد. امام مالک نیز به خاطر اعتراض به برخی حاکمان و والیان مدت‌ها در زندان به سر برد. امام احمد حنبل در زمان حاکمان عباسی شکنجه شد و به زندان افتاد. امام علی بن الحسین و فرزندان او نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، برخی به زندان افتادند و برخی به شهادت رسیدند. البته در میان

این حاکمان، کسی مانند عمر بن عبدالعزیز نیز وجود داشت که عدالت‌گری پیشه کرد و به آبادانی کشور پرداخت و حقوق بیت‌المال را مراعات می‌کرد.

در این سال‌ها به تدریج گرایش‌های مختلف و دسته‌جات گوناگونی در جامعه به وجود آمد که به‌طور کلی از سه‌عنوان بیرون نبودند:

۱- فرقه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت درگیر بودند.

۲- فرقه‌ها و مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که هر کدام برای به‌دست‌آوردن احکام شرعی روش‌های خاصی داشتند و بیرون خود را به آن دعوت می‌کردند.



* درباره حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس تحقیق کنید و نشان دهید که روش آنان در حکومت‌داری و زندگی، چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با خلفای راشدین داشته است.

از آنجا که آشنایی با مذاهب فقهی ضرورت بیشتری دارد، در اینجا به‌طور مختصر، به شرح آنها می‌پردازیم.

فقه‌های نخستین

فقیهان کسانی هستند که احکام دینی را با مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی و سایر منابع به‌دست می‌آورند و برای مردم بیان می‌کنند. فقه‌های نخستین، آن دسته از فقیهانی هستند که در قرن اول هجری زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه این دوره، فاصله زیادی تا زمان پیامبر (ص) نداشت و احتیاجات مسلمانان در احکام زیاد و متنوع نشده بود، این فقیهان برای به‌دست‌آوردن احکام غالباً فقط به قرآن و احادیث نبوی مراجعه می‌کردند و کمتر به اجتهاد عقلی می‌پرداختند. مشهورترین آنان عبدالله بن مسعود متوفی به سال ۹۴ یا ۹۹ هجری، سعد بن مسیب متوفی به سال ۹۳ هجری، عرو بن زبیر متوفی به سال ۱۰۶ هجری و قاسم بن محمد بن ابی‌بکر هستند. آنان به‌طور شفاهی مسائل را برای مردم توضیح می‌دادند

و از خود نظر خاصی عنوان نمی‌کردند.

فقه‌های طبقه دوم

در اوایل قرن دوم هجری، تحولات زیادی در علوم اسلامی پدید آمد. این تحول ناشی از ابتلائات و احتیاجات تازه‌ای بود که در زمان ظهور یافته بود و تحقیقات و پاسخ‌های جدیدی را طلب می‌کرد. در این دوره، علوم اسلامی به معنای واقعی آن شکل گرفت؛ یعنی رشته‌های مختلف علمی، مانند تفسیر، فقه، کلام، اصول و فلسفه تأسیس شد و هر دانشمندی در یک یا چند رشته علمی تخصص داشت. فقیهان، علاوه بر تحقیق در قرآن و حدیث به تحقیقات دیگری نیز دست زدند و از رأی و اجتهاد و قیاس خود سود جستند تا پاسخگوی نیازهای جدید باشند. آنان قواعدی برای تحقیقات فقهی خود وضع کردند که به تدریج کامل شد و «علم اصول فقه» نام گرفت.

فقه‌های طبقه دوم در بلاد مختلف اسلامی پیروانی داشتند که رفته رفته از حدود نیمه دوم قرن دوم هجری به دو مکتب بزرگ فقهی تقسیم شدند^۱:

- ۱- مکتب رأی و قیاس به مرکزیت عراق؛ در این مکتب، علاوه بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، به رأی و اجتهاد فقیه اهمیت فراوانی داده می‌شد. نماینده مکتب اهل قیاس و رأی امام ابوحنیفه (رض) بود.
- ۲- مکتب اهل حدیث به مرکزیت حجاز؛ در این مکتب تأکید زیادی بر ظاهر قرآن و حدیث می‌شد و توجه کمتری به رأی و اجتهاد می‌گردید. امام مالک بن انس (رض) از جمله نمایندگان اهل حدیث به‌شمار می‌رود.

ما در این بخش به معرفی دو امام از ائمه چهارگانه مشهور اهل سنت که پیروان فراوانی در ایران دارند می‌پردازیم.

امام ابوحنیفه (رض)

نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ هجری، در هفتادسالگی در بغداد درگذشت. از اساتید مشهور او حماد بن ابی سلیمان متوفی به سال ۱۲۰ هجری است که ۱۸ سال از او فقه و حدیث آموخت. امام ابوحنیفه تا ۴۰ سالگی در بصره در علم کلام^۲ تحقیق

۱- مکتب فقهی دیگری به نام مکتب فقهی جعفری در مدینه توسط امام جعفر صادق (رض) توسعه و گسترش یافت که مربوط به برادران شیعه است که در جای خود از آن بحث شده است.

۲- علم کلام، علمی است که درباره مسائل اعتقادی مانند توحید، معاد و نبوت بحث می‌کند.

و تحصیل می‌کرد به‌گونه‌ای که جزو افراد برجسته و مشهور در آن علم بوده است. او ابتدا علم کلام را بهترین مایه علم می‌دانست، سپس آن را ترک کرده و به فقه پرداخت.

او علاوه بر قرآن و احادیث معتبر و موثق، بر اثر نیازهای جدید جامعه، به قیاس که یک روش عقلانی است و منافاتی با دین ندارد، روی آورد. قیاس در فقه، یعنی مقایسه نمودن مسائلی که از نظر حکم و علت مجهول باشد با مسئله‌ای که از نظر حکم و علت معلوم است؛ مثلاً حکم نوشیدن شراب (انگور) به علت مست‌کنندگی معلوم است و صراحتاً در قرآن حرام شده است. اما در مورد آب‌جو و امثال آن در قرآن نامی برده نشده است. مجتهد آب‌جو را با شراب مقایسه می‌کند و حکم حرام بودن شراب را به آب‌جو سرایت می‌دهد؛ زیرا آب‌جو نیز مانند شراب حالت مست‌کنندگی دارد.

ابوحنیفه (رض) از قلبی صابر و فکری عمیق بهره‌ای وافر داشت. در جواب به مسائل شرعی بی‌باک بود و صریح و روشن پاسخ می‌داد. در بحث و مناظره چیره‌دست و فقیهی منطقی و کلامی بود.

او شاگردان زیادی تربیت کرد که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از: ابویوسف یعقوب‌بن‌ابراهیم، محمدبن‌شیبانی و زفر بن‌هزیل تمیمی.

مذهب حنفی دو قرن پس از وفات امام ابوحنیفه رسمیت یافت و در اواخر قرن چهارم و پنجم هجری و پس از آن با حمایت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و عثمانی ترویج و تقویت شد.



* دربارهٔ روزه در مذهب فقهی امام ابوحنیفه تحقیق کنید و واجبات و محرمات

روزه را بنا بر این مذهب ذکر نمایید.

امام محمد بن ادریس شافعی

امام شافعی در عسقلان فلسطین در سال ۱۵۰ هجری به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و دو ساله بود که مادرش او را به مکه برد و ده سال در میان قبیلهٔ هُرَلی فصاحت عربی و دیگر فنون زبان را آموخت.

در هفت‌سالگی قرآن را حفظ کرد و مقدمات علوم را نزد مسلم بن خالد مفتی مکه آموخت. در

سیزده سالگی فقه را در مدینه نزد امام مالک بن انس آغاز کرد و کتاب «الموطأ» او را که در زمینه حدیث است، حفظ نمود. در ۲۵ سالگی در علم فقه و حدیث به درجه اجتهاد رسید.

او پس از فوت امام مالک، به سیر در آفاق و انفس پرداخت و از آرا و نظریات اصحاب رأی و حدیث آگاه گشت. در عراق، آرای مکتب حنفی را نزد محمد بن حسن شیبانی آموخت. در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و چهار سال آخر عمر را در آنجا گذراند و در همانجا وفات یافت.

امام شافعی (رض) فصیح و شیرین سخن می گفت و به انواع استدلال ظاهری توانا بود. بسیار مورد وثوق و امانت دار و عادل و پارسا بود. از عفت نفس و حسن سیرت بهره عالی داشت. فقه شافعی قدر مشترک بین اصحاب حدیث و اصحاب رأی بود و میان آن دو را جمع می کرد. پس روش او تلفیقی بود از فقه حجاز و فقه عراق. به همین جهت اصول فقه امام شافعی قرآن، سنت، اجماع و قیاس است.

فقه‌های قبل از شافعی در اصول فقه بحث می کردند، ولی قانون کلی و منظمی نداشتند. اما او اصول فقه را تدوین و تنظیم نمود. از این رو، گفته اند نسبت شافعی به اصول فقه مانند نسبت ارسطو به منطق است.

او تألیفات زیادی دارد. ابن ندیم حدود ۱۱۰ جلد کتاب و رساله به او نسبت می دهد. برخی از کتاب‌های او مانند «المبسوط فی الفقه»، «کتاب الامامه»، «کتاب الرساله»، «احکام القرآن»، «السنن» و «کتاب الأئم» از جمله آثار اوست. «کتاب الأئم» در هشت جلد می باشد و درباره فقه است و دایرة المعارف فقهی محسوب می شود.

یکی از عوامل گسترش مذهب فقهی امام شافعی، شاگردان او بوده اند، بیشترین گسترش و اسمیت آن در قرن‌های چهارم و پنجم هجری صورت گرفت. بیشتر شافعی مذهب‌بان در عراق، مصر، سوریه، عربستان، شهرهای غربی ایران و شمال آفریقا هستند.

از جمله شاگردان برجسته امام شافعی، امام احمد حنبل است که بعدها خود روش فقهی مستقلی وضع کرد که مذهب حنبلی نام گرفت.



* درباره روزه در مذهب فقهی شافعی تحقیق کنید و واجبات و محرمات آن را بنابر این مذهب ذکر نمایید.

به‌طور خلاصه، در میان اهل سنت چهار مذهب فقهی شکل گرفت که عبارت‌اند از:

۱- مذهب حنفی؛

۲- مذهب مالکی؛

۳- مذهب شافعی؛

۴- مذهب حنبلی.

فقهای که پس از این بزرگان آمدند، به شکلی تابع یکی از این چهار مذهب فقهی بودند و در همین چارچوب به اجتهاد می‌پرداختند و اکنون نیز فقیهان اهل سنت تابع یکی از همین چهار مذهب هستند.

امت واحده



همانا این امت شما امتی واحد است

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

مؤمنون، ۵۲

.....
.....
.....

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا
وَ لَا تَفَرَّقُوا

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

آن‌گاه که با یکدیگر دشمن بودید

إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

پس میان دل‌های شما پیوند داد

فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

تا به لطف او برادرانِ هم شدید

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.

آل عمران، ۱۰۳

.....
با یکدیگر ستیزه و کشمکش نکنید
.....
که سست شوید و نیروتان برود
.....
.....

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

وَ لَا تَنَازَعُوا

فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ

وَ اصْبِرُوا

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

انفال، ۴۶

در قرآن کریم برای نام بردن از مسلمانان از نام‌های مختلفی مانند: مؤمنون، مسلمون و اهل ایمان استفاده شده است، ولی در کنار این کلمات برای نام بردن از جماعت اسلامی و پیروان ادیان دیگر کلمه‌ای به کار رفته که بیش از هر چیز مفهوم و ملاک وحدت را دربردارد. کلمه امت شصت و چهار بار در قرآن تکرار شده است. قرآن، پیروان هر یک از ادیان را یک امت می‌داند و می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا

ما در هر امتی پیامبری مبعوث کردیم

و یا می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم

بقره، ۱۴۳

از این آیات و آیه‌های فراوان دیگری که در قرآن آمده و در آنها کلمه امت به کار رفته است چنین به دست می‌آید که نه تنها مسلمانان بلکه پیروان هر یک از ادیان، خود یک گروه واحد به نام امت هستند و امت اسلام امتی است واحد و یگانه که بر مبنای پرستش خداوند پایه‌ریزی شده است. کلمه امت کلمه‌ای پرمعناست. این کلمه در لغت، به معنای اقتدا و پیروی و قصد و رهبری آمده است و در قرآن به معنای جماعت پیرو یک دین و آیین و طریق و مسلک دینی به کار رفته است. در کلمه امت معنای وحدت مقصد و عقیده و وحدت پیشوا و جهت نهفته است.

اهداف امت اسلامی

الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در راه خدا کوشش کنید باشد که به فلاح و رستگاری برسید. به دنبال بسیاری از فرمان‌های الهی کسب فلاح و رستگاری به عنوان هدف انجام این اعمال آمده است.

ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: آیات فراوانی از قرآن بیان‌کننده این هدف است، از جمله در سوره آل عمران می‌فرماید: شما بهترین امت در میان انسان‌ها هستید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

ج) استقرار دین خدا در جهان: در آیه ۳۳ سوره توبه آمده است: «خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد». برتری دادن دین خدا بر همه ادیان، یکی از مهم‌ترین اهداف مسلمانان است.

د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین : خداوند در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می‌فرماید :
 «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» زمین سرانجام به بندگان صالح خدا خواهد رسید.
 ه) نجات مستضعفان و محرومان : «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ
 وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را
 پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

با افزایش آگاهی مسلمانان و بروز حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام طی سال‌های اخیر و
 خطرات بزرگی که جهان اسلام را تهدید می‌کند، تمایل به وحدت اسلامی روزه‌روز بیشتر می‌گردد و
 متفکران برجسته مسلمان پیوسته از لزوم وحدت و همبستگی میان مسلمانان سخن می‌گویند و خطرات
 تفرقه را گوشزد می‌نمایند. در این باره سه نکته برای همه مسلمانان کاملاً روشن است : اول آنکه وحدت
 از ارکان اسلام است؛ دوم آنکه مجد و عظمت مسلمانان با وحدت به‌دست می‌آید و سومین نکته آن است
 که وحدت، قرن‌هاست در میان مسلمانان از بین رفته یا تضعیف شده است. اکنون بیشتر گفت‌وگوها و
 بحث‌ها در زمینه آن است که وحدت چیست و چگونه می‌توان آن را ایجاد کرد؟

وحدت امت اسلامی

درباره معنای وحدت اسلامی نظریه‌های مختلفی وجود دارد، در مجموع آنچه می‌توان از همه آنها
 برداشت کرد آن است که منظور علمای روشنفکر از وحدت آن نیست که از میان مذاهب اسلامی یکی
 انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند یا آنکه مذاهب مختلف با یکدیگر ترکیب شوند و مذهب
 جدیدی ساخته و پرداخته گردد؛ بلکه منظور، اتحاد مسلمانان پیرو مذاهب مختلف – در عین اختلافات
 مذهبی آنان – در برابر بیگانگان و دشمنان مشترک آنهاست. با این اتحاد، هم زمینه تعالی و ترقی امت
 اسلامی فراهم می‌شود و هم امت اسلامی را در برابر دشمنان حفظ می‌کند.

تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های این آیات را درباره وحدت امت اسلامی
 استخراج نمایید.

وحدت در سنت حضرت رسول (ص)

زندگانی و رفتار حضرت رسول (ص) سراسر سرمشق وحدت است. آن حضرت پس از هجرت به مدینه با بستن پیمان برادری (مؤاخات) میان مسلمانان مدینه که از قبیله‌های مختلف بودند و سال‌ها با همدیگر درگیری و اختلاف داشتند اتحاد و یگانگی را میان آنان برقرار ساخت. ایشان تنها تقوا و ارزش‌های انسانی را معیار برتری و فضیلت می‌دانست. او همواره با برتری طلبی‌های قومی و نژادی و قبیله‌ای به مبارزه برمی‌خاست و می‌فرمود: «لَا فَخْرَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجَمٍ وَلَا لِأَبْيَضٍ عَلَى الْأَسْوَدِ»؛ عرب هیچ برتری بر عجم و سفید هیچ برتری بر سیاه ندارد. و در حدیثی از ایشان نقل شده که فرمود: مؤمن برای مؤمن مانند بنایی است که هر قسمت آن، قسمت دیگر را محکم می‌کند و آن‌گاه انگشتان دست‌ها را در میان هم نمود^۱. مسلمانان با استفاده از اتحاد و ایمان توانستند در مدتی بسیار کوتاه امپراتوری عظیم ایران و روم و بخش‌های وسیعی از آفریقا، آسیا و حتی اروپا را به اسلام دعوت کنند و تسخیر نمایند و تمدن بزرگی را بنیان نهادند. این تمدن قرن‌ها برقرار و استوار بود. اما اکنون تفرقه و جدایی و عوامل دیگری که بر سر مسلمانان آمده، قرن‌هاست مسلمانان را تضعیف کرده و آنها را در معرض هجوم بیگانگان قرار داده است. برای آنکه وظیفه خود را در این زمینه بهتر درک کنیم، نخست باید بدانیم چه عواملی موجب تقویت وحدت و یگانگی مسلمانان می‌شود تا آنها را تقویت کنیم و چه عواملی بیوند و همبستگی مسلمانان را از میان می‌برد تا با آنها به مبارزه برخیزیم.

عوامل وحدت اسلامی

۱- **وحدت عقیده**: دانشمندان اسلامی اعتقاد به سه اصل توحید، نبوت و معاد را پایه و اساس مسلمان بودن یک فرد دانسته‌اند. این سه اصل، نزد همه مذاهب اسلامی مشترک است و اساس اتحاد و همبستگی مذاهب اسلامی را تشکیل می‌دهد این سه اصل که در قرآن کریم و سنت و سیره حضرت رسول (ص) نمودار می‌شود، از مسلمانان، یک گروه و جماعت واحد ساخته است.

۲- **وحدت در فروع دین**: در مجموع مسلمانان در انجام اعمال و فرایض دینی یکسان‌اند. همه مسلمانان عبادت‌ها و اعمال ضروری دین را می‌پذیرند و انجام می‌دهند. ضروریات دین عبارت‌اند از: نماز، روزه، زکات، حج و جهاد. هیچ یک از مذاهب اسلامی نیست که منکر وجوب یکی از این اعمال باشد. انجام این دستورات دینی توسط همه مسلمانان یکی از جلوه‌های وحدت میان آنان است. در احادیث، این اعمال از پایه‌های اسلام به شمار آمده است و همه بدان پایبند هستند.

۱- صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب فضل تعاون.

اختلاف نظرها در شرایط و آداب این اعمال که در مذاهب اسلامی مورد بحث و گفت و گو است و با نظر مجتهدان تعیین می‌گردد، باعث نشده و نمی‌شود که هیچ یک از این مذاهب دیگری را از اسلام خارج بدانند.

۳- **وحدت در هدایت و رهبری:** آنچه مسلمانان را برای عبادت و انجام دستورات خداوند راهنمایی می‌کند، قرآن و سنت است؛ یعنی فرمان خدا و رسول خدا (ص). در میان مسلمانان کسی وجود ندارد که یکی از این دو را انکار کند. همه مسلمانان، رهبری شخص رسول اکرم (ص) برای جامعه اسلامی را پذیرفته‌اند و پس از ایشان نیز به وجود امام و حاکم برای جامعه اسلامی معتقد می‌باشند تا قوانین اسلامی را اجرا نمایند. در این باره در جای خود توضیح بیشتری آمده است.

۴- **وحدت هدف و آرمان مشترک:** اسلام علاوه بر اصول اعتقادی و عملی، دارای هدفهایی است که به صراحت در قرآن و سنت آمده است. داشتن این اهداف مشترک در میان همه مذاهب مسلمان، آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند و از آنها یک گروه واحد می‌سازد.

۵- **وحدت در فرهنگ و تمدن:** اسلام تنها یک دین نیست؛ بلکه مبنای تمدن پهناوری است که در همه جای دنیا از حجاز تا قلب آفریقا و جنوب هند و چین و شرق دور و جنوب اروپا و بالکان و سیبری گسترش یافته و روز به روز در همه جا در حال پیشروی است.

فرهنگ و تمدن اسلامی، آداب، افکار و روح واحدی است که مسلمانان را جدای از اینکه از چه فرقه یا نژاد یا مذهبی باشند به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این تمدن، علمی مانند ریاضیات، طب، حقوق، شیمی و ... رشد یافته است. مسلمانان همه دنیا دارای اخلاق و روحیه‌ها و صفات ویژه‌ای هستند که آنها را از دیگران جدا می‌سازد. روحیه صداقت، همکاری و تعاون، پاکدامنی و عفت، غیرت و سایر صفات اخلاقی که برخاسته از تعالیم قرآن و حضرت رسول (ص) است، کم‌وبیش در میان همه جماعت‌های اسلامی دیده می‌شود.



* شیوة زندگی مسلمانان و عناصر فرهنگ و تمدن آنها مانند هنر، معماری و پوشش را مورد مطالعه قرار دهید و نمونه‌های دیگری از عوامل وحدت را ذکر کنید.

عوامل وحدت و نحوه زندگی و رفتار، از مسلمانان جماعتی می‌سازد که قدرتمندی و حیات آن، امروز بیش از هر چیز برای آنان ضروری است. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای و مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند می‌توانند تمدن از دست رفته خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب که خواستار نابودی همه چیز ماست ایستادگی نمایند.

تقویت عوامل وحدت و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز، امروزه به یک وظیفه دینی برای هر مسلمان تبدیل شده است که شناخت و درک این عوامل را برای هر کس ضروری می‌سازد.

زمینه‌های جدایی

یکی از زمینه‌های مهم برای رشد تفرقه مسلمانان، تفاوت‌های مذهبی و قومی و فرقه‌ای است. این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. پیروان این گروه‌ها همه مسلمان‌اند و اگر خود نیز در میان خود نسبت به مسلمان بودن دیگری تردید داشته باشند، اما دشمنان همه آنها را مسلمان می‌دانند و با همه مبارزه می‌کنند. در ارتباط هر مسلمان با دیگری، مهم نیست که او در عقیده یا مذهب خود پیرو کدام گروه است. آنچه مهم است آن است که هر یک از گروه‌ها و فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بدانند. مسلمان کسی است که به سه اصل توحید، نبوت و معاد عقیده داشته باشد و ضروریات دین را انکار نکند و به آنها عمل نماید. این مطلب در بیانات حضرت رسول(ص) انعکاس یافته است. ایشان می‌فرمایند: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتِنَا وَ صَلَّى صَلَاتِنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتِنَا فَذَاكَ الْمُسْلِمُ لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ»؛ یعنی هر کس شهادت دهد که خدا یکی است و به طرف قبله ما رو کند و نماز ما را به جا آورد و از گوشت ذبح شده ما بخورد او مسلمان است؛ برای او است آنچه برای مسلمان است؛ و علیه اوست آنچه علیه مسلمان است.

رؤسای مذاهب نیز در کنار اختلاف‌های فقهی و عقیدتی که با دیگران داشتند، گروه‌های دیگر را کافر نمی‌شمردند. امام اعظم ابوحنیفه می‌فرمود: «لَا نُكْفِرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ»؛ یعنی ما هیچ‌یک از اهل قبله را کافر نمی‌دانیم.

جهل

جهل و نادانی یکی از ریشه‌های اختلاف مسلمانان است. جهل مسلمانان نسبت به موقعیت خود

و جهل نسبت به اعتقادات یکدیگر موجب پندارهای نادرست و دشمنی و تهمت به یکدیگر می‌گردد. برای پرهیز از این موضوع باید به نکاتی توجه کنیم، از جمله آنکه: برای به‌دست آوردن نظرات پیروان هر مذهب باید به کتاب‌های معتبر و علمای آنها مراجعه کرد و نباید شایعه‌ها، سخنان مردم یا نحوه رفتار پیروان هر مذهب را معیار قرار داد. حتی برای به‌دست آوردن نظرات هر مذهب یا گروه اسلامی نمی‌توان به نظر یک یا چند نفر از عالمان آنها اکتفا کرد. چه بسا نظر یک عالم مذهبی یا نویسنده در میان پیروان آن مذهب، طرفدارانی اندک داشته باشد. در چنین مواردی باید نظر اکثریت و اجماع دانشمندان را به دست آورد که این کار نیازمند تحقیق وسیع‌تری است.

همچنین نمی‌توان رفتار پیروان یک گروه را دلیل بر قبول یا رد آنان دانست. چه بسیارند کسانی که رفتاری برخلاف گفته پیشوایان خود داشته باشند و رفتار تفرقه‌انگیز انجام دهند.

لقب‌ها و صفات ناپسند

از جمله رفتار غلطی که در گذشته وجود داشت نام‌گذاری‌ها و نسبت دادن لقب‌ها و صفات ناپسند به دیگری است. این کار در افروختن آتش دشمنی و کینه و نفرت میان مسلمانان تأثیر زیادی داشته و دارد. برای نمونه، در گذشته گروهی بوده‌اند که به حضرت علی(ع) توهین می‌کرده‌اند و به آنها نواصب (جمع ناصبی) می‌گفتند؛ در مقابل، گروهی دیگر ایشان را در حد حضرت رسول یا خدا بالا می‌بردند. این گروه را غلاة (جمع غالی) می‌خواندند. از آن پس کلمه ناصبی یا غالی بدون توجه به معنای آن در میان شیعه و سنی و در کتاب‌ها نسبت به یکدیگر تکرار شده است. باید دانست همان‌طور که عقیده نواصب ربطی به اهل سنت ندارد عقیده غلاة هم ربطی به شیعیان ندارد. امروز باید از نسبت‌دادن این صفات و نام‌ها به یکدیگر خودداری کرد و از هر گروه با همان نامی که مورد علاقه آنهاست نام برد و به بزرگان هر مذهبی احترام گذاشت.

ردوبدل کردن لقب‌های ناپسند، تحقیر کردن، مسخره کردن، توهین به دیگری راهی است که پایان آن جز انحطاط و بدبختی مسلمانان نخواهد بود و هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد.



* درباره شیوه عمل کشورهای استکباری مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مطالعه و تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و تفرقه میان آنان

چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.



با دقت و توجه در مفاهیم «امت اسلامی» و «وحدت»، تأثیر وحدت در دستیابی به اهداف امت اسلامی را بنویسید.



طرحی هنری (شعر، داستان، نقاشی) را برای وحدت امت اسلامی تهیه کرده و در کلاس از آن استفاده نمایید.